

دیدگاه روزنامه‌ی عصر جدید درباره‌ی مجلس سوم و کابینه‌های آن دوره (از ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵ ه.ق)

دکتر ایرج تنهاتن ناصری^۱، آرزو اسکندری^{*}

چکیده

پس از انقلاب مشروطه و مشکلات متعدد برخاسته از آن، درگیری‌های مختلفی در کشور روی داد که موجب تحلیل رفتن نیروی انقلاب مشروطه و ضعف روزافزون دولت‌ها و مجلس مشروطه گردید. این ضعف و ناتوانی در برابر مداخله‌ی نیروهای متخاصم در جنگ جهانی اول بیشتر نمود داشت و آشکارتر شد. سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی متحدین و متفقین در ایران، مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی برای کشور ما به وجود آورد. پایان دوره‌ی نیابت سلطنت ناصرالملک، فضای نسبتاً بازی به وجود آورد که احزاب و روزنامه‌ها را بر آن داشت که در مسائل داخلی و خارجی کشور نقش مهم‌تری ایفا نمایند. یکی از روزنامه‌های مهم آن زمان نشریه‌ی عصر جدید بود که توسط میرزا عبدالحمیدخان ثقفی ملقب به متین‌السلطنه انتشار می‌یافت. این مقاله سعی دارد دیدگاه‌های آن نشریه را در مورد مجلس و کابینه‌های آن دوره مورد مطالعه قرار دهد و واکنش‌های این نشریه را نسبت به حوادث عصر خود بررسی نماید.

واژگان کلیدی: روزنامه‌ی عصر جدید، مجلس سوم شورای ملی، کابینه، جنگ جهانی اول، عبدالحمید ثقفی (متین‌السلطنه)

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری، گروه تاریخ، تهران، ایران.

* مسئول مکاتبه: arezoo_eskandari@yahoo.com

تاریخ دریافت: زمستان ۱۳۹۰، تاریخ پذیرش: تابستان ۱۳۹۱

مقدمه

دوران پر آشوب ایران در بحبوحه‌ی جنگ جهانی اول و تنش‌های پس از انقلاب مشروطه، اوضاع بسیار متلاطمی در کشور ایجاد نموده بود. گروه‌های سیاسی مختلف با عقاید و روش‌های متفاوت در فضای به وجود آمده از آزادی نسبی پس از انقلاب برای در به دست گرفتن قدرت و مدیریت کشور بر اساس سلايق و طرز تفکر خود مشغول فعالیت بودند. این گروه‌ها برای تأثیرگذاری بر روی افکار عمومی باید از وسایل ارتباط جمعی زمان خود بهره‌برداری می‌نمودند. رایج‌ترین و شاید تنهاترین وسیله‌ی ارتباط جمعی آن دوره روزنامه‌ها بوده‌اند. از همین رو، در آن دوره روزنامه‌ها اهمیت فراوانی در حیات سیاسی اجتماعی مردم و به ویژه سیاسیون داشتند. شناخت نظرات و دیدگاه‌های نشریات مختلف به وقایع کمک فراوانی به درک صحیح آن دوره از تاریخ ایران می‌نماید.

انقلابیون مشروطه پس از عزل محمدعلی شاه و شکست استبداد صغیر، به احزاب مختلف تقسیم شدند. مهم‌ترین این احزاب اعتدالیون و دمکرات‌ها نام داشتند. دیدگاه‌های این دو حزب در مواردی آن چنان متناقض و متضاد از یکدیگر است که شاهدان را در چگونگی اتحاد این دو در برابر استبداد دچار حیرت می‌کند. به هر حال، پس از پایان استبداد و تشکیل مجلس دوم و سوم، صف‌آرایی این دو طرز تفکر موجب ایجاد تنش‌های فراوانی در کشور شد. هر دو این گروه‌ها برای جلب افکار عمومی و انتشار نظرات خود دارای روزنامه‌هایی بودند. یکی از روزنامه‌های مطرح جناح اعتدالیون روزنامه‌ی عصر جدید به مدیر مسئولی عبدالحمید ثقفی ملقب به متین‌السلطنه بود. در این مقاله سعی داریم نظرات این روزنامه را درباره‌ی اوضاع مملکت، مجلس سوم و کابینه‌های آن دوره بررسی نماییم. برای درک بیشتر دیدگاه‌های روزنامه‌ی عصر جدید، نگاهی مختصر به زندگی و زمینه‌های فکری مدیر و سردبیر آن می‌اندازیم.

عبدالحمید ثقفی ملقب به متین‌السلطنه از رجال دوره‌ی مشروطه، فرزند حاجی میرزا عبدالباقی طبیب اعتضاد الاطباء، در سال ۱۲۹۶ ه.ق در تهران به دنیا آمد. عماد الکتاب تاریخ تولد وی را ۱۳۰۸ ه.ق ذکر کرده است (عماد الکتاب، ۱۳۸۴: ۲۲۴). اما با توجه به این نکته که وی در سال ۱۳۳۵ ه.ق کشته شده است، به نظر می‌رسد این تاریخ صحیح نباشد. برادرش اعلم‌الدوله سن وی را در هنگام مرگ ۳۹ سال ذکر می‌کند (متولی‌عبدالله، ۱۳۷۸: ۳۸). پس سال تولد وی احتمالاً ۱۲۹۶ ه.ق بوده است. وی تحصیلات ابتدایی خود را در تهران آغاز نمود و برای ادامه‌ی تحصیل به پاریس رهسپار شد. وی به دو زبان انگلیسی و فرانسه تسلط کامل

داشته و در علوم حقوقی، سیاسی و مالی نیز کار کرده و از دانشگاه آکسفورد فارغ‌التحصیل شده بود. بعد از اتمام تحصیلات، مدتی در سفارت ایران در استانبول به کار منشی‌گری و ترجمه پرداخت و سپس به ایران بازگشت. وی به استخدام گمرک درآمد و گمرکات جنوب به وی سپرده شد و در بوشهر مشغول خدمت گردید. وی سمت ریاست کشتی‌رانی ایران را در آن زمان برعهده داشت. سپس به‌عنوان معاون گمرکات خراسان در آن ولایت مشغول به کار شد. در مدتی که در خراسان ساکن بوده است، انجمن خیریه‌ای به نام انجمن سعادت تشکیل داده و مدارس و بیمارستان‌هایی با عنوان علمیه‌ی سعادت، اتحادیه‌ی سعادت و معرفت سعادت راه‌اندازی کرده است.

متین‌السلطنه در مجلس دوم شورای ملی به‌عنوان نماینده‌ی خراسان وارد مجلس شد و به دلیل شخصیت و اعتباری که داشت در اجلاس‌های چهارم مجلس به‌عنوان نایب رئیس دوم انتخاب گردید. وی جزو حزب اعتدالیون بود و در جریان اولتیماتوم روسیه به ایران، از جمله‌ی اندک شمار نمایندگان بود که موافق قبول اولتیماتوم بودند و در این باره نیز در مجلس سخنرانی کرد (بشیری، ۱۳۸۷: ۶/۱۳۶۲) و از نمایندگان خواست به دولت اجازه دهند که شروط اول و سوم از او اولتیماتوم روسیه را بپذیرد که عبارت بودند از: ۱. اخراج شوستر و همکارانش؛ ۲. دولت ایران قبل از استخدام مستشار خارجی، از انگلیس و روسیه اجازه بگیرد؛ ۳. دولت ایران هزینه‌ی لشکرکشی روسیه را بپردازد (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۲۰؛ مهدوی، ۱۳۹۰: ۳۴۸). از دیگر فعالیت‌های وی می‌توان به پیشنهاد ممنوعیت لاتاری اشاره نمود. وی همچنین از مخالفان تمديد دوره‌ی زمانی مجلس دوم توسط خود نمایندگان بوده است (بشیری، همان: ۶/۱۳۹۰)؛ هر چند نمایندگان مجلس، دوره‌ی نمایندگی خود را رأساً تمديد نمودند. وی پس از طی شدن مدت مجلس دوم، در اداره‌ی خزانه‌داری مشغول کار شد و اداره‌ی امور خبازخانه‌های تهران به وی سپرده شد؛ اما از عهده‌ی سر و سامان دادن به وضعیت خبازخانه‌ها بر نیامد و به او اتهام سوء استفاده و عدم امانت‌داری زده شد و از خدمت منفصل گردید. تقریباً همزمان با انتخابات مجلس سوم و گشایش آن، جریده‌ی عصر جدید را منتشر نمود. پیش از این وی در دوره‌ای که در بوشهر به امور کمرگی اشتغال داشت، دو روزنامه‌ی مظفری و طلوع را منتشر ساخته بود (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۳/۱۵۵).

روزنامه‌ی عصر جدید یکی از روزنامه‌های مطرح دوره‌ی خود بوده است؛ نوع نگارش ساده‌ی آن و اندازه‌ی روزنامه و انتشار منظم، آن را از دیگر نشریات همدوره‌ی خود متمایز می‌کند. مطالب عصر جدید طیف وسیعی از موضوعات را، همچون داستان‌ها و پاورقی‌ها،

مقالات علمی، علی‌الخصوص مسائل بهداشت و درمان، چیستان و مسائل اجتماعی، شامل بود. عصر جدید ۳ بار در هفته و به صورت منظم بر روی کاغذ کاهی چاپ و توزیع می‌شده است. اندازه‌ی آن متوسط و نوع نوشتار آن نسبت به دیگر روزنامه‌های همدوره‌ی خود نثر بسیار ساده و فهم‌پذیری دارد که پس از گذشت حدود صد سال همچنان برای خواننده‌ی عادی دریافتنی است. نوع صفحه‌بندی و تنظیم مطالب آن نیز در بین روزنامه‌های آن دوره امری نوآورانه و سبکی جدید بوده است.

نشریه‌ی عصر جدید عمدتاً در مسائل داخلی کمتر به صورت صریح یا مبسوط اظهار نظر می‌نموده و در بسیار از مسائل به صورت کلی و مبهم مطالبی منتشر می‌کرده است که دیدگاه محافظه‌کارانه‌ای را به ذهن متبادر می‌کند.

مجلس سوم

به طور کلی در مجالس اول و دوم شورای ملی، به دلایل مختلف، ادوار قانونی مجلس به صورت کامل به اتمام نمی‌رسید و همچنین با توجه به عدم تثبیت نظام جدید در کشور معمولاً در برابر تشکیل مجلس به صورت آشکار و نهان مقاومت وجود داشت. دلیل مشخص این نکته تفاوت چند ساله بین انحلال و یا تعطیلی مجلس قبلی، تا تشکیل مجلس بعدی بود. مجلس سوم سه سال پس از فترت مجلس دوم بازگشایی شد. در طی این سه سال ناصر الملک، نایب‌السلطنه، زمام امور را در دست داشت و کابینه‌های متعددی در کشور تشکیل و منحل شد. این سه سال به دوره‌ی استبداد ناصرالملکی مشهور است. مهم‌ترین دلیل این نام‌گذاری ممانعت وی از برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس است.

پس از به تخت نشستن احمد شاه، با فشارهای سیاسیون، وی دستور برگزاری انتخابات را صادر نمود و انتخابات مجلس سوم در کشور آغاز شد. به هر حال، مجلس سوم با حضور احمد شاه در تاریخ شانزدهم محرم الحرام سال ۱۳۳۳ هجری قمری افتتاح شد؛ اما نکته‌ی مهم این است که افتتاح مجلس قبل از پایان یافتن انتخابات در تمام کشور انجام گرفت؛ زیرا روند انتخابات بسیار کند پیش می‌رفت، تا جایی که در تمام طول مدت زمان مجلس سوم، همچنان انتخابات آن برگزار و نمایندگان به تدریج از شهرها و شهرستان‌ها وارد مجلس می‌شدند. مهم‌ترین علت کندی انتخابات، اشغال کشور توسط نیروهای خارجی و مشکلاتی بود که آن‌ها برای برگزاری انتخابات به‌وجود آورده بودند. با پدید آمدن شرایط جدید در کشور، بر خلاف دوره‌ی دوم مجلس، این‌بار دموکرات‌ها در مجلس سوم دارای اکثریت بودند. به طور کلی در مجلس سوم، سه حزب و یک گروه سیاسی حضور داشتند.

- دموکرات‌ها با ۳۱ عضو

- اعتدالیون با ۲۹ عضو

- هیئت علمیه با ۱۴ عضو

- گروه بی‌طرف که با دموکرات‌ها ائتلاف کرده بودند، با ۲۰ عضو

دموکرات‌ها همان حزب - اجتماعیون عامیون بودند که در مجلس سوم به دموکرات‌ها تغییر نام دادند، مرام‌نامه‌ی فکری آن‌ها «نفکاک قوای سیاسی از قوه‌ی روحانی» بوده است. در عمل در مسائل کشور رویه‌ی تندروی را ملاک عمل خود قرار داده بودند. اعتدالیون نیز همان اجتماعیون - اعتدالیون مجلس دوم بودند که رویه‌ی میانه‌روی را در مسائل مد نظر داشتند. هیئت علمیه نیز گروه جدیدی بود که ریاست آن را سید حسن مدرس برعهده داشت و اهداف آن‌ها عبارت بود از: حمایت از فقرا، حفظ شریعت، مخالفت با قوانین بیگانه با اسلام (مرکز مطالعات و پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۵؛ بهار، ۱۳۸۷:).

البته همان‌گونه که گفته شد، به دلیل ورود تدریجی نمایندگان، این اعداد متغیر بوده است. مهم‌ترین مسئله‌ی این دوره از مجلس که تمام ارکان کشور را با خود درگیر کرده بود، جنگ جهانی اول بود. هر چند ایران در این جنگ اعلام بی‌طرفی کرده بود، اما همسایگی ما با دو کشور متخاصم و درگیر در جنگ، یعنی روسیه و عثمانی، و همچنین نفوذ و تسلط انگلیسی‌ها در جنوب کشور، موجب بی‌اعتنایی کشورهای متخاصم در این مورد و اشغال ایران توسط این کشورها شده بود (سپهر، ۱۳۸۴: ۸۴؛ احرار، ۱۳۵۲: ۱۸۱). روس‌ها از شمال تا قزوین پیش‌آمده و انگلیسی‌ها نیز تا اصفهان را اشغال کرده بودند. سربازان عثمانی نیز کرمانشاه و سرحدات آن را به تصرف درآورده بودند.

نگاه اعتدالیون و دموکرات‌ها نسبت به این موضوع نیز متفاوت بود. عبدالله مستوفی در خاطرات خود به این نکته اشاره می‌کند: «در مجلس جدید باز هم اعتدالی‌ها و دموکرات‌ها با هم مواجه شدند، این بار دموکرات‌ها نغمه‌ی دیگری کوک کرده و معتقد بودند باید مثل ترک‌ها با آلمان و بر ضد دولتین روس و انگلیس وارد جنگ شد و برای حصول نتیجه از هرگونه ابرام فروگذار نمی‌کردند و با اینکه دولت ایران در طلوع جنگ بی‌طرفی اختیار کرده و این جمله در تمام مرام‌ها و برنامه‌های هیات‌های وزرا که به مجلس می‌آمد یکی از فصول برجسته بود؛ مع هذا این‌ها به خصوص لیدر آن‌ها سلیمان میرزا از هیچ‌گونه اقدام مخالف

کوتاه نمی‌آمدند. ولی اعتدالی‌ها معتقد بودند باید مشغله دولتی را غنیمت شمرده مثل واقعه مرنارد عملاً و به مرور، خود را از تحت نفوذ دولت‌های خارجی درآورد» (مستوفی، ۱۳۸۶: ۴۶۲). ژاک ژوزف مرنارد مستخدم بلژیکی گمرک ایران که بعد از اولتیماتوم روسیه و انگلیس در مورد اخراج شوستر، او که جانشین شوستر در گمرک بود، با حکم ناصرالملک به خزانه‌داری کل منصوب شد (دستره آنت، ۱۳۶۳: ۵۶۱). با این عمل، احتمال نابسامانی اوضاع مالی ایران در پی فقدان شوستر بر طرف شد و عملاً اولتیماتوم روسیه و انگلیس کارایی خود را در فشار مضاعف بر ایران از دست داد.

تحركات آلمان‌ها در ایران و گسترش نفوذ عثمانی در غرب کشور که درصدد بودند دولتی طرفدار متحدین را به قدرت برسانند، همسایه‌ی شمالی را که درگیر جنگ با آلمان‌ها بود، از پیوستن ایران به اتحاد عثمانی - آلمان بیمناک کرد (اتحادیه، ۱۳۸۹: ۱۲؛ باست الیور، ۱۳۷۷: ۱؛ کاوه، ۱۳۶۹:). روس‌ها با سوءاستفاده از اختلاف بین دولت و مجلس و عدم توانایی حکومت مرکزی و با همراهی دولت انگلیس، آذربایجان را اشغال و تا قزوین پیشروی نمودند. تمایل دموکرات‌ها به آلمان و عثمانی و شایعاتی که در آن دوران بر سر زبان‌ها افتاده بود، همچون خبر رویتر: «آلمانیان سپاهی در تهران بسیج کرده‌اند» و بازتاب آن در روسیه و همچنین تحركاتی که در تهران برای دریافت اسلحه و مهمات از سفارت اتریش برای مجاهدان انجام شده بود، به وخامت اوضاع افزود. روس‌ها برای مقابله، نیروهای خود را از قزوین به سوی تهران حرکت دادند. این عمل باعث وحشت در تهران شد و مخالفان روس‌ها، از جمله عده‌ای از وکلا، سیاستمداران، مدیران روزنامه‌ها و سفرای آلمان و عثمانی، پایتخت را ترک گفتند (کسروی، ۱۳۸۴: ۵۶۱؛ ملایی توانی، ۱۳۷۸: ۱۶۵-۱۶۶).

ترس مردم از تکرار جنایاتی که روس‌ها در هنگام اشغال تبریز انجام داده بودند و به ویژه اعدام سران دموکرات تبریز، موجب نگرانی‌های فراوانی در بین مردم عادی و سیاسیون گشت. در این شرایط کمیته‌ی دفاع ملی که از سوی دموکرات‌ها تشکیل شده بود، به قم رفت؛ دولت نیز مجلسیان را به مهاجرت به قم تشویق نمود و از همراهی احمد شاه برای انتقال به قم خبر داد. تعدادی از نمایندگان به قم رفتند؛ اما تحت فشار روسیه و انگلیس بر احمد شاه و قول آن‌ها مبنی بر عدم ورود نیروهای روسیه به تهران و بازگشت آن‌ها به قزوین، احمد شاه از مسافرت به قم پرهیز کرد. بیشتر نمایندگانی که به قم رفته بودند، حاضر به بازگشت نشدند و عملاً مجلس از رسمیت افتاد و منحل شد. روس‌ها به قم حمله نمودند و اعضای کمیته‌ی دفاع ملی به اصفهان و از آنجا به کرمانشاه، که در تصرف عثمانی بود، عقب‌نشینی کردند

(رجایی عبدالمهدی، ۱۳۸۶: ۲۶۹) و در آنجا دولت ملی را تشکیل دادند، که در نهایت با غلبه‌ی روسیه بر عثمانی در کرمانشاه، دولت ملی منحل گردید. جنگ‌های پراکنده‌ای نیز بین روس‌ها و مجاهدین و نیروهای دموکرات در ساوه، همدان و رباط کریم روی داد که همگی به شکست نیروهای کمیته‌ی ملی انجامید.

مصوبات مجلس سوم

هرچند مجلس سوم مدت زمان زیادی دوام نیافت، اما در همین مدت کوتاه نیز مصوبات و تصمیماتی به تأیید رسانید که به دلیل اهمیت‌شان، اشاره به آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد:

۱. قانون لغو اختیارات ۲۳ جوزای مستر شوستر و مرنارد، مصوب ۲۶ اسفند ۱۲۹۳؛

۲. قانون منع خروج طلا و نقره، مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۲۹۴؛

۳. قانون تشکیل وزارت عدلیه، مصوب ۲۵ خرداد ۱۲۹۴؛

۴. قانون مالیات مستغلات، مصوب ۹ شهریور ۱۲۹۴؛

۵. قانون سربازگیری، مصوب ۹ آبان ۱۲۹۴ (مرکز مطالعات و پژوهش‌های مجلس شورای

اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۷).

باتوجه به شرح خلاصه‌ای که از حوادث آن دوره از تاریخ ایران ارائه شد، اکنون دیدگاه‌های روزنامه‌ی عصر جدید را در جریان‌های روزمره‌ی حکومت، جنگ جهانی اول، مجلس و مردم، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نظرات روزنامه‌ی عصر جدید درباره‌ی مجلس سوم

اولین شماره‌ی روزنامه‌ی عصر جدید تقریباً همزمان با انتخابات مجلس شورای ملی انتشار یافت. از همان اولین شماره، اخبار مجلس و نمایندگان در این روزنامه منعکس شده است. در اولین شماره‌ی عصر جدید فهرست نمایندگان و وکلای انتخاب شده منعکس گشته است. همزمان با افتتاح مجلس سوم و بعد از آن، روزنامه‌ی عصر جدید با نوشتن و انتشار مقالات، نظرات خود را در مورد مجلس و مصوبات آن منتشر می‌کرد. تقریباً در تمام مدت شروع انتخابات مجلس سوم، روزنامه‌ی عصر جدید ورود نمایندگان به پایتخت و حوزه‌ی انتخابیه‌ی آن‌ها را گزارش می‌کرد.

همزمان با افتتاح مجلس در روز شنبه ۱۶ محرم الحرام سال ۱۳۳۳ ه.ق، در صفحه‌ی اول

شماره‌ی ۱۰ روزنامه‌ی خود، شرح اقداماتی را که برای برگزاری مراسم افتتاح مجلس

پیش‌بینی شده، به صورت کامل گزارش کرده است. اما مهم‌ترین نکته تا این تاریخ در روزنامه‌ی عصر جدید در صفحه‌ی ششم مقاله‌ای با عنوان «افتتاح مجلس شورای ملی»، ابتدا سعی می‌کند برای عموم مردم روال کار مجلس جدید را توضیح دهد، سپس با تقسیم‌بندی مسائل روز جامعه به دو قسمت داخله و خارجه، نظرات خود را بیان می‌دارد: «اصل اول. نظر به پیش‌آمدهای ناگوار حاضر و جنگ بین‌المللی رعایت روابط خارجی این دولت خواهد بود. اصل دوم. عملیات لازمه داخلی برای به راه انداختن ادارات مملکت» (عصر جدید، ۱۶ محرم ۱۳۳۳ق: ۶). روزنامه‌ی عصر جدید با این عنوان وارد موضوع‌های اصلی می‌شود و نظرات خود را برای این دو موضوع ارائه می‌کند. در موضوع‌های خارجی به صراحت از نمایندگان می‌خواهد که از سیاست بی‌طرفی دولت حمایت نمایند: «شک و شبهه نداریم که در موضوع اول نمایندگان ملت سابقه اطلاعات و تجربیات هیئت دولت را کاملاً در نظر گرفته و یک نوع نمایشی که لازمه‌اش تولید بعضی بحران‌های ناگوار باشد نه از اکثریت و نه از یک دسته بلکه از یک نفر نماینده هم نباید انتظار داشت» (همان‌جا).

در موضوع‌های داخلی نیز، ضمن اشاره به این نکته که مهم‌ترین مشکل داخلی وضع مالی کشور است، با طرح اخذ مالیات‌های غیرمستقیم و سروسامان دادن به امور مالیاتی، خواهان توجه نمایندگان به وضعیت مالی دولت‌های بین دو دوره‌ی مجلس شده است.

در نهایت نیز به این نکته اشاره می‌کند که با پیش آمدن جنگ جهانی و درگیری کشورهای بزرگ در آن جنگ، بهترین فرصت برای عملی ساختن امور معوق در کشور است: «اگر اوضاع حاضر در نهایت سختی است از یک طرف متصدیان امور دولت و ملت هم هیچ وقت بهتر از امروزه برای مقاومت در مقابل این سختی‌ها خود را حاضر نساخته بودند و اوضاع بین‌المللی هم هیچوقت بهتر از این موقع برای تصفیه امور معوقه این مملکت پیش نیاورده بود» (همان‌جا).

آنچه روزنامه‌ی عصر جدید در مورد روابط خارجی به آن اشاره می‌کند، ناظر به رفتار نمایندگان دموکرات مجلس است. همان‌گونه که در تشریح وضعیت مجلس سوم اشاره نمودیم، اکثریت مجلس سوم در اختیار دموکرات‌ها بود و از سوی دیگر این‌ها معتقد به نزدیکی به آلمان و عثمانی و مقابله با روسیه و انگلیس بودند. به نظر نویسنده‌ی عصر جدید، دخالت این مجلس در موضوع بی‌طرفی ایران با این نگرش، وضعیت خطرناکی را به وجود می‌آورد. این نکته در شماره‌ی ۱۱ نشریه به تاریخ ۲۳ محرم سال ۱۳۳۳ به صراحت بیان

می‌شود: «بنابراین ما وظیفه مهمه هیئت معظم دولت را در ضمن این یکی دو هفته که مجلس شورای ملی در حال تأسیس است منحصر و منحصر به این می‌دانیم که بدون فوت وقت بطرق معینه دیپلوماسی وضعیت ایران را بطوری که حقیقتاً استقلال و تمامیت آن در آتیه تضمین شده باشد و نه بطوری که عملیات معاهده ۱۹۰۷ به ما نشان داد، تعیین و تأمین نموده و فقط نتیجه را به نمایندگان ملت اطلاع داده و آنها را از این رهگذر آسوده خواطر [خاطر] کنند و الا اگر غیر از این رفتار شود و مجلس شورای ملی خود را مجبور به داخل شدن در این موضوع بداند ما نتیجه را یک اوضاع بسیار وخیمی حس کرده و تصور می‌کنیم به طوری که مملکت از هر طرف دچار بحران گردد که منافع هیچ یک از مقامات ذی‌نفع از داخل و خارج مسلماً یک چنین بحرانی را تقاضا ننماید» (عصر جدید، ۲۳ محرم ۱۳۳۳: ۶).

در همین حال، جناح‌های سیاسی دیگر نیز به دنبال سیاست‌های خود هستند. روزنامه‌ی نوبهار که متعلق به ملک‌الشعرا‌ی بهار از نمایندگان دموکرات مجلس بوده و عملاً از نظر سیاسی در نقطه‌ی مقابل دیدگاه‌های عصر جدید قرار داشته است، در سرمقاله‌ی خود در شماره‌ی ۱۵۹، ضمن یادآوری رفتار روس‌ها در ایران، خواهان روشن شدن وضعیت بی‌طرفی ایران می‌شود؛ در حالی که دیگر کشورها به آن احترام نمی‌گذارند: «پس چرا باید برخلاف انسان دوستی و انصاف پروری هر ساعت به حمله‌های تهلکه‌آمیز مصادف گردد؟ و بالاخره دولت ایران چرا نباید یک باره از این قید بی‌تکلیفی خلاص شود» (نوبهار، ۱۴ صفر ۱۳۳۳: ۱). آنچه در مورد بی‌طرفی در نوبهار آمده است، تمام حرف‌های این روزنامه نیست، شاید بتوان در شماره‌ی ۲۶۱ این روزنامه از تمایلات واقعی آن در برابر روسیه نکاتی را فهمید. سرمقاله‌ی این شماره به تاریخ ۲۵ صفر ۱۳۳۳، حاوی این خبر است: «دولت عثمانی برای دفاع از خطرات آتیه بطرف سرحد آذربایجان پیشقدمی کرده عشایر و دستجات سرحدی هم به حکم دیانت و حس مذهبی این نقشه را کمک نموده و اخیراً با پیشقدمی امیر حشمت یک مفرزه روس را در میان‌دواب پراکنده و به تازگی پس از بیرون رفتن سربازان روس مرکز آذربایجان را هم اشغال نمودند» (نوبهار، ۲۵ صفر ۱۳۳۳: ۱).

با گذشت چندین روز و وخامت اوضاع سیاسی و گسترش جنگ در ایران، روزنامه‌ی عصر جدید که به دلیل نوع تفکرات محافظه کارانه‌اش موضع‌گیری صریحی در امور داخلی نشان نمی‌داده است، به واکنش تندی وادار می‌شود و توجه مجلسیان به موارد غیرضروری را یادآوری می‌نماید. همان‌گونه که می‌گوید: «خوب محسوس است که هوای بهارستان اذهان نمایندگان ما را بیش از حد طبیعی کدر نموده توجهی به مسائل حیاتی‌ه ایران ندارند و اوقات

گرانبهای خود را به پاره سطحیات می‌گذرانند و اگر هم کمیسیون خصوصی برای مذاکره در این قبیل مسائل اساسی تأسیس می‌یابند اعضای آن غیر متناسب است و افق افکارشان طوری است که خیال تازه‌ای بوزرای عظام نمی‌توانند بدهند» (عصر جدید، ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۳۳: ۱).

به هر حال، اولین موضع صریح روزنامه‌ی عصر جدید در مقابل مجلس سوم در شماره‌ی ۵۱ این روزنامه و در یادداشت هفته نمود پیدا می‌کند. تا این شماره که در تاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۳۳ ه.ق منتشر شده است، معمولاً یادداشت هفته با توصیفات از جنگ جهانی و درگیری‌های اروپا شروع می‌شده است. اما در این شماره‌ی یادداشت هفته با مسائل داخلی و ماجرای حرکت قشون روسیه از قزوین به تهران آغاز می‌شود. در این یادداشت به صراحت اوضاع بحرانی مملکت را به دلیل نداشتن دولت پایدار می‌داند و مجلس را به کارشکنی در راه تشکیل کابینه متهم می‌کند: «اگرچه کابوس حرکت قشون روس از قزوین به طهران و رجعت آنها از بین راه به قزوین هنوز از سرها خارج نشده که ما بخواهیم به فراغت بال در حکمت و دلایل این حرکت غیر منتظره یا مشق بی‌موقع بگفته مقامات رسمی مربوطه خود را به پاره حدسیات مشغول داریم، ولی این قضیه باید آنهایی را که مسئولیت مقدرات مملکت را در دست گرفته‌اند بالاخره از این بی‌قیدی و سهل‌انگاری بیرون آورده و درک کنند چگونه حیات حکومت مرکزی هر آن مورد تهدید است».

در ادامه نیز می‌نویسد: «بدون اغراق بهیچ زبان و بهیچ قلم وضعیت حاضر ایران را نمی‌توان بیان کرد و تعجب در این است که ما به قدری بی‌قیدیم که همین قوای روسیه که معدودی از آنها ممکن بود بمرکز بیابند و این همه باعث هیجان گشته بود، مدت‌ها است که در آذربایجان گیلان و قزوین هستند و گویا آن نقاط را ما داخل در خاک ایران ندانسته اهمیت نمی‌دهیم و فقط وقتی وخامت اوضاع ایران را می‌فهمیم که مرکز را تهدید کند. گمان می‌کنیم اگر قوای روسیه به اطراف طهران بیابند ولی همین قدر معترض بهارستان نشوند هنوز اهمیت به این مسئله داده نشود. و از طرفی نمایندگان محترم که باید اقرار کرد یکی از عوامل مستقیم این بحران و فترت بوده‌اند در جلسه شب گذشته در موارد قانون مستقلات مذاکره و شور می‌کردند. شاید از چهره بعضی از آنها معلوم بود که خود نیز حس می‌کردند این قوانین موقعیت ندارد و بدون جهت تزییع وقت می‌کنند» (عصر جدید، ۲۲ صفر ۱۳۳۳: ۱).

عصر جدید و کابینه‌ها

در مدت کمتر از یک سالی که مجلس سوم پا برجا بود، ۴ کابینه از این مجلس رأی اعتماد گرفت. این کابینه‌ها عبارت بودند از:

۱. کابینه‌ی حسن خان مستوفی الممالک، ۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ ه. ق - اول اسفند ۱۲۹۳؛

۲. کابینه‌ی میرزا حسن خان پیرنیا (مشیرالدوله)، ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳ ه. ق - ۲۲ اسفند ۱۲۹۳؛

۳. کابینه‌ی عین الدوله، ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۳ ه. ق - ۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۴؛

۴. کابینه‌ی حسن خان مستوفی الممالک، ششم شوال ۱۳۳۳ ه. ق - ۲۶ مرداد ۱۲۹۴ (مرکز مطالعات و پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۲۲).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، عمر این دولت‌ها بسیار کوتاه و گذرا بوده است و طبیعتاً نمی‌توان از آن‌ها انتظار چندانی برای اصلاح و مدیریت کشور داشت. برای این امر، دلایل مختلفی ذکر شده است. مع‌هذا آنچه در اینجا درباره‌اش به بحث می‌پردازیم، مواضع روزنامه‌ی عصر جدید در این تحولات است.

اولین موضع‌گیری روزنامه‌ی عصر جدید در مقاله‌ای با عنوان «مجلس شورای ملی و کابینه‌ی وزراء» پدید می‌آید (عصر جدید، ۲۹ صفر ۱۳۳۳: ۶). وی در این مقاله از نمایندگان مجلس می‌خواهد که در راستای تسریع در رسیدگی به امور مملکت از تغییر در کابینه اجتناب کنند و به عبارت بهتر تغییر در کابینه را لازم نمی‌داند.

باید به این نکته اشاره نمود که با توجه به اوضاع ایران در آن دوران، احساس نیاز به دولتی که بتواند با شرایط جنگی کشور را اداره نماید، محسوس بود؛ اما در برنامه‌ای که مستوفی الممالک به مجلس ارائه داد، تقریباً به جنگ و موضع دولت‌ش در خصوص آن، هیچ اشاره‌ای نکرد. مهم‌ترین نکات برنامه‌ی مستوفی الممالک عبارت بودند از:

فسخ قانون ۲۳ جوزا و پیشنهاد قانون تشکیلات اساسی وزارت مالیه؛

تقدیم لایحه‌ی تشکیلات اساسی وزارت جنگ؛

تشکیل نظمی با رعایت نظرات بودجه در مراکز ایالات و بعضی ولایات به ترتیب نظمی

مرکز؛

حفظ اساس ژاندارمری و رفع نواقص آن؛

تکمیل قوانین عدلیه به ترتیب الهم فالهم از حیث احتیاجات امروزی عدلیه؛

تهیه‌ی لوايح تشکيلات اساسی وزارت فوايد عامه و تجارت برای تقدیم به مجلس شورای ملی (مرکز مطالعات و پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۲۹).

آنچه از برنامه‌های ارائه شده توسط مستوفی الممالک به دست می‌آید، این است که اصولاً در آن دوران تمامی وزارتخانه‌های عهده‌دار اداری امور کشور، فاقد قوانین مصوب بوده‌اند و شاید یکی از دلایل انفعال دولت‌های ایران در آن دوران در برابر اشغال کشور، همین نکته بوده است. همان‌گونه که ذکر شد، نظرات اکثریت مجلس برای انتخاب افراد در پست‌های وزارت، نهایتاً کابینه‌ی مستوفی الممالک را بدون تشکیل کابینه، به تعطیلی می‌کشاند که نظر عصر جدید نیز ذکر گردید. هرچند نمایندگان دو ماه بعد دوباره به مستوفی الممالک مأموریت تشکیل کابینه دادند، اما وی موفق به تشکیل کابینه نشد. روزنامه‌ی عصر جدید در شماره ۲۴ خود در تاریخ ۲۶ ربیع الثانی سال ۱۳۳۳ ه.ق در مقاله‌ای، ضمن نکوهش وزرای معرفی شده به مجلس به دلیل داشتن برنامه‌های ضعیف، مسئولیت این امر را به عهده‌ی ائتلاف اکثریت مجلس می‌اندازد و می‌گوید: «تجربیات گذشته و اطلاعات خصوصی و مسموعات روزهای اخیر اجازه می‌دهد بگوییم باعث بی‌تکلیفی حالیه ائتلاف مجلس است. اگر چه این اعتراف برای ما فوق العاده باعث تأسف است، ولی باید اگر بخواهیم بطور صمیمیت اظهار نظر کنیم بی‌پرده بگوییم که باعث بحران ائتلاف است» (عصر جدید، ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳: ۶).

از نظر روزنامه‌ی عصر جدید، به دلیل این که ائتلاف از تجمعی از نمایندگان نامتجانس تشکیل یافته بود، دارای یکدلی و نظر واحد در مورد کابینه نبود و طبیعتاً نیز کابینه نمی‌توانست راه به جایی ببرد.

در مورد تشکیل کابینه‌ی مشیرالدوله که دومین کابینه در مجلس سوم بود، روزنامه‌ی عصر جدید از این انتخاب استقبال می‌کرد. در مقاله‌ی این روزنامه، ضمن تمجید از مشیرالدوله به عنوان یکی از افراد متجدد و تحصیل کرده، از این که دایره‌ی انتخاب رئیس الوزرا وسیع‌تر شده است، استقبال نمود؛ با این حال و با توجه به استقبال اولیه از کابینه‌ی مشیرالدوله، از عدم توجه کابینه‌ی وی به مسئله‌ی بی‌طرفی ایران انتقاد کرد (همان، ۴ جمادی الاول ۱۳۳۳: ۶).

روزنامه‌ی عصر جدید در مقاله‌ای در تاریخ ۱۷ جمادی الاول سال ۱۳۳۳ ه.ق به اوضاع سیاست خارجی و عدم توجه به بی‌طرفی ایران واکنش نشان داد و خواهان روشن شدن وضعیت بی‌طرفی شد و از دولت خواست، در حالی که از شمال روسیه، از جنوب انگلیس و از غرب عثمانی خاک کشور ما را اشغال کرده‌اند، با پافشاری بر موضوع بی‌طرفی، به این کشورها

بهانه‌ی دخالت در امور داخلی را ندهند. اگر چه معتقد بود در کشوری که امور مالی آن توسط خارجی‌ها اداره می‌شود و بیگانگان به نقاط ضعف ما بیش از خودمان آگاه، اجازه نخواهند داد ما بی‌طرف باقی بمانیم. از دیدگاه عصر جدید دولت تلاشی برای بیرون راندن خارجی‌ها از ایران انجام نداد و این در حالی بود که مجلس نیز در این راه از دولت حمایت نمود (عصر جدید، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۳۳: ۶).

در جمادی الاول سال ۱۳۳۳ ه.ق، مشیر الدوله بدون تشکیل کابینه کنار رفت و عین الدوله زمام صدارت را در دست گرفت. این واقعه در روزنامه‌ی عصر جدید انتشار یافت و از اتفاق نمایندگان برای صدارت وی سخن گفت و از مهلت یک هفته‌ای که عین‌الدوله برای معرفی وزرا خواسته بود، خبر داد (همان، ۳).

آنچه در این زمان در کشور رخ داد، ماجرای معرفی سعدالدوله به عنوان نخست وزیر به مجلس بود. سعد الدوله به‌عنوان یکی از نزدیکان محمدعلی شاه و نخست وزیر دوران استبداد صغیر، تحت فشار روسیه و انگلیس برای صدارت به مجلس معرفی شد. میرزا جواد خان سعدالدوله از نزدیکان محمد علی شاه که در دوران استبداد صغیر ابتدا وزیر خارجه و سپس مدتی رئیس الوزرا بود، در آغاز در مجلس اول مشروطه نماینده‌گی مجلس را برعهده داشت. با توجه به سوابقش، دارای زندگی متلاطم سیاسی بود و مدتی به انگلیسی‌ها و سپس به روس‌ها تمایل داشت. وی از دوران ناصرالدین شاه مناصب مختلفی را تجربه نمود، اما پس از منتفی شدن ریاست الوزرای اش در مجلس سوم، تا آخر عمر بدون هیچ منصب سیاسی در تهران زندگی می‌کرد (بامداد، ۱۳۸۷: ۱/۲۸۸). هرچند این واقعه به سرعت و به‌علت مخالفت نمایندگان مجلس با جرئت و جسارت به پایان رسید، اما روزنامه‌ی عصر جدید تعبیر جالبی در مورد آن به کار برد و آن را یک کودتا نام نهاد و از اقدام مجلس تقدیر نمود. روزنامه‌ی عصر جدید در این مقاله نوشته است:

«مسئله ریاست وزرای آقای سعدالدوله که تصور می‌رفت با یک نقشه و قرارداد محکمی شروع شده و چیزی نمانده بود کار را یکسره به استقلال ایران خاتمه بدهد بالاخره به یک رسوایی تامی منجر به فضیحت شد و این دویمین سعی ایشان برای بدست گرفتن زمام امور ایران مضحک‌تر از ورود مظفرانه ایشان به ایران نبود. معلوم است از آقای سعد الدوله و امثال ایشان غیر از اینها انتظار نمی‌رود ولی چیزی که خارج از انتظار عامه بود شرکت معنوی اشخاصی در این نقشه بود که تا به امروز به گفته معمولی و جاهت ملی داشتند و به هر لباس

اگر خود را تا به امروز درآورده بودند مسلماً در این آخرین لباس تا به حال نمایش نداده بودند. حقیقتاً ایران جای غریبی است. طبیعت ایران استتار بر نمی‌دارد چیزی که هست برای هر یک کشف جدیدی یک مدتی وقت لازم است. ولی در این میانه مخفی نماند که «کودتا» را هم بمثل سایر چیزها در ایران مفتضح کردیم» (عصر جدید، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۳۳: ۲).

به عقیده‌ی عصر جدید، در این مورد دخالت مستقیم دو وزیر مختار روسیه و انگلیس منجر به این واقعه شده است. شایان ذکر است که انگلیس و روسیه به دلیل مسائل ایران وزرای مختار خود را عوض نموده و دو نفر را با دیدگاه تند روانه‌ی ایران کرده بودند. در این ماجرا دو وزیر مختار جدید روسیه و انگلیس خواستار صدارت سعد الدوله بوده‌اند و روزنامه‌ی عصر جدید نیز در مقاله‌ای بلافاصله بعد از مقاله‌ی کودتای سعدالدوله، این نکته را گوشزد نمود و این عمل را نتیجه‌ی تغییر رفتار متحدین در ایران دانست: «بیش از دو هفته از حرکت این وزرای مختار نمی‌گذرد که صحبت از ریاست وزرای سعدالدوله، نظامی کردن پایتخت، بستن مجلس و غیره و غیره به میان می‌آید» (همان: ۳).

این نظر روزنامه‌ی عصر جدید توسط خبر روزنامه‌ی شور^۱ تأیید می‌شود که می‌گوید: «در این موقع سفیر دولت انگلیس و شارژ دافر روسیه به حضور مقدس ملوکانه مشرف شده و تقریباً سه ساعت در حضور بوده‌اند- تذکر اظهار نموده بودند که صلاحیت موقع در این است که از طرف اعلیحضرت آقای سعدالدوله برای رییس‌الوزرای منتخب شود» (شوری، ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۳۳: ۳).

همان‌گونه که گفته شد، عین الدوله برای صدارت به مجلس معرفی گردید. عصر جدید نسبت به کابینه‌ی عین‌الدوله بسیار خوشبین بوده و در مقاله‌ای از کابینه‌ی عین‌الدوله حمایت کرده و اعضای کابینه را وزرای خوب و به جای دانسته است. در مقاله‌ای در صفحه‌ی ۲ شماره‌ی ۳۴ این جریده، ضمن تمجید از عین‌الدوله، وی را بی‌طرف و طرفدار بی‌طرفی در جنگ جهانی می‌داند (عصر جدید، ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۳۳: ۲). با وجود این، در هنگامی که عین الدوله خواستار اختیارات تامه از مجلس شد، عصر جدید به این واقعه عکس‌العمل نشان داد و در شماره‌های ۳۳ و ۳۴ خود، با درج مقالاتی، با آن مخالفت نمود و اعطای اختیارات تامه به دولت را مساوی با تعطیلی مجلس عنوان نمود. در ضمن، معتقد بود که این عمل موجب ایجاد استبداد و تعطیلی نظام مشروطه می‌گردد.

حوادث کرمانشاه و درگیری بین ایلات منطقه و قوای عثمانی که به خاک ایران تجاوز نموده بودند و عقب راندن آن‌ها توسط ایلات، اعتراض نمایندگان اکثریت مجلس را که در

اختیار حزب دموکرات و طرفدار متحدین بود، برانگیخت و ایشان اقدام به استیضاح فرمانفرما وزیر داخله‌ی کابینه‌ی عین‌الدوله نمودند (عصر جدید، ۱۹ شعبان ۱۳۳۳: ۲). در این باره روزنامه‌ی عصر جدید به صورت تلویحی مجلس و دولت را مقصر می‌داند که چرا در هنگام تجاوز از خود واکنش نشان نداد، تا این که اوضاع به آن نقطه رسید. باید به این نکته توجه داشته باشیم که علی‌رغم بی‌طرفی ایران، کشور در اشغال دول درگیر در جنگ بود و هر کشور به فراخور حال خود در ایران تاخت و تاز می‌کرد. پس جای تعجب بود که چرا بعضی از نمایندگان مجلس برای بیرون راندن نیروهای خارجی وزیری را استیضاح نمودند. به عقیده‌ی عصر جدید، حوادث غرب کشور بهانه‌ای برای استیضاح فرمانفرما و مقصود استیضاح کنندگان، سقوط کابینه‌ی عین‌الدوله بوده است. این مطلب را می‌توان در متن زیر یافت که چنین است: «جمعی تصور کنند مقصود شخص فرمانفرما بوده و نه اظهارات نمایندگان در مجلس علنی و نظریات دیگر در مجلس خصوصی به طوری که از خارج شنیده‌ایم این مسئله را تکذیب و تردید می‌کند» (عصر جدید، همان جا).

به هر حال، پس از این استیضاح، کابینه‌ی عین‌الدوله مستعفی گردید و بحران دولت در کشوری که درگیر اشغال بود، دوباره شروع شد. در طی مدتی که به علت مشکلات داخلی، امکان تشکیل کابینه در کشور فراهم نشد، تا آن که پس از فراز و فرودهای فراوان، مستوفی الممالک دوباره زمام امور نخست وزیری را به دست گرفت. از این تاریخ به بعد روزنامه‌ی عصر جدید با درج اخبار داخلی و تحلیل‌های خود همچنان از دولت می‌خواست وضعیت بی‌طرفی ایران را روشن نمایند. در شمال کشور و آذربایجان، روس‌ها همچنان به اشغال آن نواحی ادامه دادند. در جنوب و در تنگستان، انگلیسی‌ها با نیروهای محلی درگیر بودند و کنسول‌های آلمان و عثمانی در کرمانشاه، ضمن گردآوردن نیرو، با کنسول‌های روسیه و انگلیس درگیر شده و تا نزدیک همدان پیشروی کرده بودند. در این حال، روزنامه‌ی عصر جدید با درج این اخبار از عدم توجه هیئت دولت به این مسائل ناراضی بود.

عصر جدید و انحلال مجلس سوم

به هر حال، مهم‌ترین رویداد آن دوره که تأثیر بسزایی بر کشور داشت، مسئله‌ی جنگ جهانی اول بود. همان‌طور که در ابتدا اشاره شد، در این جنگ ایران اعلام بی‌طرفی نمود. جریده‌ی عصر جدید نیز در آغاز با این موضع موافق بود، اما اندک‌اندک نشانه‌هایی از تغییر رویکرد در روزنامه‌ی عصر جدید دیده می‌شد. در این رویکرد جدید که با درج مقالاتی همزمان با

تشکیل کابینه‌ها همراه بود، عصر جدید تلویحاً از دولت خواست در شرایطی که کشورهای درگیر جنگ بی‌طرفی ایران را نقض می‌کنند، ایران نیز تکلیف خود را مشخص کند و منتظر پایان جنگ و عدم توجه دولت‌ها به ایران نماند.

در همین باره در شماره ۵۰، به تاریخ ۲۳ رمضان سال ۱۳۳۳ ه.ق، در چند مقاله‌ی پی‌درپی، ابتدا دول خارجی را به نقض بی‌طرفی ایران متهم می‌نماید و دلیل این دخالت‌ها را عدم وجود یک دولت مرکزی در ایران می‌داند: «در اوایل جنگ بین المللی دولت علیه ایران اعلان بی‌طرفی داد و منتهای آرزوی هر ایرانی عاقل و علاقه‌مند باین آب و خاک این بود که ایران را به حال بی‌طرفی خود بگذارند. اما بطوری که دیدیم دول متخاصم ایران را به حال خود نگذاشتند و در مقام تجاوزات برآمده هر یک به نوبت خود، روس، انگلیس و عثمانی بی‌طرفی ایران را نقض نموده و می‌نمایند. دولت ایران به جهاتی که شرحش توضیح واضح است قادر بر حفظ بی‌طرفی خود نبود و یا رجال و امنائی نداشت که بتواند قوای موجوده ایران و همان قوایی را که دول متخاصم برای نقض بی‌طرفی ایران به کار برده و می‌برند جمع آوری نموده و برای حفظ بی‌طرفی ایران به کار بیندازد و به همین دلیل یعنی نبودن یک هیئت دولت فعال و کاردان در همراهی با یکی از دو دسته متخاصم نیز اتخاذ رای نشود» (همان، پنج شنبه ۲۳ رمضان ۱۳۳۳: ۱). سپس در مقاله‌ای به تحرکات روسیه و انگلیس از یک سو، و عثمانی و آلمان از سوی دیگر، اشاره می‌کند و از برنامه‌های روسیه و انگلیس برای برخورد با آلمان‌ها می‌گوید. در آخر نیز در یادداشتی با عنوان «سکوت بیش از خیانت است»، خواستار روشن شدن موضع ایران در قبال جنگ جهانی اول می‌شود.

در شماره ۲۲ سال دوم، به تاریخ اول محرم سال ۱۳۳۴ ه.ق، عصر جدید در خبری کوتاه از حرکت قشون روسیه از قزوین به سوی تهران خبر می‌دهد و از مشخص نبودن مقصد این قشون برای تهران یا همدان می‌گوید. در شماره بعد، این حرکت را تهدیدی برای پایتخت می‌داند و معتقد است که واکنش به این حرکت، مرز بین ایران امروز و ایران فردا به شمار می‌رود: «وخامت این سوء قصد و نتیجه‌های مترتبه بر آن فوق آن چیزی است که ما اذهان عامه را با عباراتی ساده به طوری که سبک معمولی عصر جدید است آشنا کنیم و از یک طرف چون اثرات این تهدید مستقیم پایتخت در واقع خط فاصل میان ایران امروزه و ایران فردا خواهد بود و این پیش‌آمد بزرگ‌ترین حادثه ایست که برای ایران در سنوات اخیر رخ داده» (همان، ۳ محرم ۱۳۳۴: ۱).

در صفحه‌ی ۲ همین شماره و در پاسخ به مقاله‌ی روزنامه‌ی نوبهار، با عنوان «دشمن حمله کرد»، متین السلطنه علت در معرض خطر قرار گرفتن تهران توسط قشون روسیه را اهمال دولت در پافشاری بر موضع بی‌طرفی می‌داند و می‌نویسد: «در طهران پایتخت ایران هیئت‌های مسلح از روسی آلمانی و عثمانی حرکت نمی‌کرد. اسلحه و بمب از اطراف ما (به طوری که می‌توان گفت ما در روی بمب حرکت می‌کنیم) به طهران وارد نشده بود، و بالاخره حوادث اسفناک بوشهر، شیراز، اصفهان و کرمانشاهان و غیره روی نداده بود. یعنی دولت ایران شایسته بود یا از ابتدا یک طرفی می‌شد و یا لااقل ساعی به حفظ بی‌طرفی خود می‌گردید» (همان، ۳، محرم ۱۳۳۴: ۲).

آنچه در آن زمان از سوی مخالفان به عنوان توجیه کننده‌ی حرکت قشون روسیه خوانده شده است، ناظر به جمله‌ی اول مقاله‌ی یاد شده است که حکایت از هیئت‌های روسی، آلمانی و عثمانی دارد و به همین دلیل و دشمنی روسیه با آلمان و عثمانی است که سپاه روسیه قصد تهران نموده است، تا این گروه‌ها را از بین ببرد. آیا واقعاً این هیئت‌ها و گروه‌ها در تهران بوده‌اند و یا واقعاً عصر جدید آن‌ها را برای توجیه حرکت قشون روسیه مطرح نموده است. کسروی در این مورد می‌نویسد: «از تابستان ۱۲۹۴ در تهران آمادگی‌هایی برای یک جنبش می‌رفت. گذشته از سران آزادی و گروهی از نمایندگان مجلس و برخی از سرکردگان ژاندارم (از سوئدی و ایرانی) امیر حشمت و دیگران از مجاهدان تبریز که از استانبول به تهران آمده بودند و آلمانیان ارج بیشتری به دلیری و کاردانی اینان می‌دادند» (کسروی، ۱۳۸۴: ۵۶۰)؛ و در ادامه می‌نویسد: «در آبان ماه این آمادگی نمودارتر گردید و کارکنان روس و انگلیس به بیم افتادند. خبرنگار رویتز آگاهی داد: «آلمانیان سپاهی در تهران بسیج کرده‌اند؛ و روزنامه‌های روس عنوان یافته گفتارهایی نوشتند و به همه جا آوازه افتاد، و چون از سفارت اتریش تفنگ و فشنگ و بمب برای مجاهدان فرستاده می‌شد، شهربانی چند بمبی را گرفت و حاجی بابا خان اردبیلی را بر سر آن به زندان انداخت» (همان‌جا).

همان‌گونه که در قسمت قبل گفته شد، نتایج این واقعه و حرکت قشون روس به سوی تهران، بسته شدن مجلس سوم و مهاجرت تعدادی از وکلا به قم بود. شاه نیز قصد عزیمت به قم را داشت که با فشار وزرای مختار روس و انگلیس و تعهد مبنی بر عدم تعرض به تهران از سوی قشون روسیه منصرف شد. مجلس منحل شد و تعدادی از وکلا در قم کمیته‌ی ملی تشکیل دادند. با وقایع روی داده، عملاً مجلس سوم بعد از حدود یک سال و سه ماه از شروع

کار، تعطیل شد. مجلسی که از دیدگاه عصر جدید موجب بحران‌های فراوان در کشور بوده و عملاً وقت را بدون دلیل به هدر می‌داده است.

عصر جدید پس از انحلال مجلس و مهاجرت نمایندگان همچنان فعال بوده و در بحبوحه‌ی تشکیل کمیته‌ی دفاع ملی و پس از آن کابینه‌ی دفاع ملی در قم و کرمانشاه از منتقدان سر سخت آن به شمار می‌آمده است. روزنامه‌ی عصر جدید، ضمن درج اخبار درگیری‌های بین نیروهای کمیته‌ی دفاع ملی، از اقدامات آن‌ها انتقاد نموده و تحرکات آن‌ها را موجب دخالت بیشتر نیروهای روسیه و انگلیس در ایران دانسته است.

شدیدترین حمله‌ی عصر جدید به کمیته‌ی دفاع ملی را می‌توان در شماره‌ی ۴۹ سال دوم یافت. در این شماره در یادداشت عصر جدید، ضمن بر شماری اشتباهات آلمان در ایران به صورت غیرمستقیم، مسئولیت توسعه‌ی لشکرکشی روسیه را به گردن کمیته‌ی دفاع ملی می‌گذارد و آن‌ها را متهم به از بین بردن فرصت گرفتن امتیاز از روسیه و انگلیس می‌نماید: «دو ماه قبل وزرای مختار دول متفقہ برای حفظ اتباع خود در مرکز از دولت ایران تأمینات می‌خواستند. دو ماه قبل قوای ملی یک نوع اثرات ابهت انگیزی از خود نمایش می‌داد. دو ماه قبل سفرای دول متحده اروپای مرکزی با آن حالت مخصوص از تهران حرکت نکرده بودند و بالاخره دو ماه قبل دولتین روس و انگلیس با یک اشتیاقی حاضر شده بودند امتیازات چندی به دولت ایران داده و دوستی ایران را فوق العاده مغتنم شمارند. چه شد که تمام این‌ها تغییر کرد؟ و مسئولیت این تغییر با کیست؟» (عصر جدید، ۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۴: ۱).

با گذشت زمان و با پیشروی نیروهای روسیه به سمت غرب کشور، تشکیلات کمیته‌ی دفاع ملی و کابینه‌ی دفاع ملی عملاً از هم پاشید و بیشتر اعضا و هواداران آن به عراق که در سیطره‌ی عثمانی بود، نقل مکان کردند. ورود نیروهای عثمانی به غرب ایران که از مدت‌ها قبل آغاز شده بود از یک سو، و پیشروی نیروهای روسیه از سوی دیگر، دو دشمن را در غرب ایران و در حوالی کرمانشاه روبه‌روی یکدیگر قرار داد.

در این مقطع درگیری‌ها و جنگ‌های بزرگ و کوچک فراوانی بین دو طرف رخ داد. در این بحبوحه اکثر مقالات و اخبار منتشر شده در جریده‌ی عصر جدید حکایت از پیروزی نیروهای روسیه و انگلیس و شکست نیروهای عثمانی و آلمان، دارد. از سوی دیگر، با چاپ اخبار و گزارشاتی از عثمانی، از اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی در آن کشور حکایت می‌کند. تقریباً تمام مقاله‌ها و یادداشت‌های عصر جدید در این دوره بازتاب دهنده‌ی اوضاع بین‌المللی است و تلاش دارد وضعیت جبهه‌های نبرد را روشن سازد.

نتیجه‌گیری

نظرات روزنامه‌ی عصر جدید، به هر حال نماینده‌ی افکار طیفی از سیاسیون ایران در دوره‌ی پر آشوب جنگ جهانی اول است و فارغ از وابستگی‌ها و تعصبات قومی‌ای است که در آن دوره در جامعه‌ی ایران رواج داشته است. چه با این نظرات موافق باشیم و چه مخالف، دیدگاه روزنامه‌ی عصر جدید و همفکران آن در جای خود برای شناخت وقایع آن دوره مفید و ضروری است. در مورد نظرات عصر جدید به‌طور قطع نمی‌توان تمام دیدگاه‌های آن را درست دانست، اما باید در مواردی نیز به صحت نظرات آن اقرار نمود. به‌صورت کلی نمی‌توان سخن بعضی از مورخان و سیاسیون را که عصر جدید مبلغ سیاست‌های روسیه و انگلیس در ایران بود، تأیید نمود؛ زیرا در موارد متعددی نیز می‌توان به مقاله‌هایی اشاره کرد که خلاف این نظر را نشان می‌دهد. شاید بتوان گفت در کشوری که دارای دولت مقتدر مرکزی نیست و از نعمت داشتن ارتش محروم است، مشکلات مالی فراوانی دارد؛ همچنین نیروهای مسلح آن اغلب تحت تأثیر ساختار ایلی و تعصبات قومی، و دیگر ارکان کشور در اختیار مستشاران خارجی بوده است. اگر تدریجی‌های دموکرات‌ها نبود، به دو کشور اشغالگر کمتر اجازه‌ی دخالت در امور داخلی کشور داده می‌شد و با حفظ بی‌طرفی، حتی به صورت ظاهری، می‌شد از استقلال نسبی کشور حمایت نمود. اگر چه دیدگاه عصر جدید در مورد همکاری و اتحاد با متفقین نیز نظری نیست که بتوان از آن دفاع کرد.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. آبادیان، حسین. ۱۳۹۰ *بحران مشروطیت در ایران*، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲. اتحادیه، منصوره. ۱۳۸۹، *ایران در جنگ جهانی اول آوردگاه ابردولت‌ها*، تهران، نشر ماهی.
۳. _____، ۱۳۷۱، *احزاب سیاسی در مجلس سوم*، تهران، نشر تاریخ ایران.
۴. احرار، احمد. ۱۳۵۲، *توفان در ایران*، تهران، نوین.
۵. باست، الیور. ۱۳۷۷، *آلمان‌ها در ایران به روایت اسناد وزارت خارجه فرانسه*، ترجمه حسین بنی احمدی، تهران، نشر شیرازه.
۶. بامداد، مهدی. ۱۳۷۸، *شرح حال رجال ایران*، چ ۵، تهران، انتشارات زوار.
۷. بشیری، احمد. ۱۳۶۲، *کتاب آبی گزارشات محرمانه سفارت انگلیس در ایران به وزارت خارجه انگلیس*، چ ۲، تهران، نشر نو.
۸. بهار، محمدتقی. ۱۳۸۷، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، تهران، انتشارات زوار.

۹. بیات، کاوه. ۱۳۶۹، *اسناد وزارت داخله*، تهران، سازمان اسناد.
۱۰. رجایی، عبدالمهدی. ۱۳۸۶، *اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول*، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
۱۱. دستره، آنت. ۱۳۶۳، *مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران*، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران، نشر تاریخ ایران.
۱۲. شیبانی، عبدالحسین. ۱۳۷۸، *خاطرات مهاجرت از دولت موقت تا کمیته ملیون برلین*، تهران، نشر شیرازه.
۱۳. صدر هاشمی، محمد. ۱۳۶۳، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، اصفهان، انتشارات کمال.
۱۴. طباطبایی، محمد محیط. ۱۳۵۴، *تاریخ تحلیلی مطبوعات*، اصفهان، انتشارات کمال.
۱۵. کحال زاده، ابوالقاسم. ۱۳۷۰، *دیده‌ها و شنیده‌ها*، تهران، انتشارات البرز.
۱۶. کسروی، احمد. ۱۳۸۴، *تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان*، تهران، انتشارات مجید.
۱۷. متولی، عبدالله. ۱۳۸۷، *کمیته مجازات*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
۱۸. مرادی نیا، محمدجواد. ۱۳۸۴، *خاطرات عماد الکتاب*، تهران، نشر اساطیر.
۱۹. مرکز مطالعات و پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۴، *آشنایی با مجالس قانون‌گذاری ایران*.
۲۰. مستوفی، عبدالله. ۱۳۸۶، *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)*، تهران، انتشارات هرمس.
۲۱. _____، ۱۳۷۴، *ایران در جنگ بزرگ*، تهران، نشر نامک.
۲۲. ملایی توانی، علیرضا. ۱۳۷۸، *ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول*، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
۲۳. وثوق، علی. ۱۳۶۱، *چهار فصل در تفنن تاریخ*، تهران، [بی‌نا].
۲۴. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. ۱۳۹۰، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران، انتشارات امیرکبیر.

ب. روزنامه‌ها

۱. روزنامه‌ی *شوری*، ناصرالاسلام گیلانی، تهران، ۱۳۳۳ الی ۱۳۳۴.
۲. روزنامه‌ی *عصر جدید*، عبدالحمید ثقفی، تهران، ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴.
۳. روزنامه‌ی *نوبهار*، محمد تقی بهار، تهران، ۱۳۳۳ الی ۱۳۳۴.